



تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی (مطالعه موردی: حوزه‌های واژگانی و زیبایی شناختی)

سید رضا سیدی^۱

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه‌های ساری

چکیده

بررسی هر نوع برهم کنش‌های زبانی، بی تردید نیازمند تحقیق و واکاوی عمیق و گسترده‌ای در خصوص رابطه چند سویه زبانی، نوع روابط حاکم میان دو ملت یا فرهنگ آن جامعه است. وجوه مشترک و پیوندهای تاریخی و فرهنگی و مذهبی و... مؤلفه‌های مهم دیگری در این کنش‌ها یا برهم کنش‌هاست. تأثیرات فرهنگی و اجتماعی زبان عربی، بر فرهنگ و ادبیات فارسی بسیار گسترده و عمیق بوده است. لذا این تأثیرات به ویژه بعد از ورود و ظهور اسلام به ایران و پذیرفته شدن دین اسلام توسط ایرانیان به تدریج در جنبه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی نفوذ کرده است. هویت و ملت ایران، فقط مربوط به ساختار و تمدن سازی این سرزمین دوران باستان و قبل از تاریخ نیست. مردم ایران با نفوذ اسلام و رسالت آخرین پیامبر و دین مقبول، که همان اسلام است گردید و در تمدن اسلامی، سهم اساسی یافت. هویت ایران، با پذیرش تمام ویژگی و مختصات اسلامی تکامل پیدا کرد که زبان عربی در این تکامل سهم بسزایی داشت. از طرف ایرانیان در جهانی کردن زبان عربی که زبان اسلام و قرآن است، نقش مهمی ایفا کردند. در این نوشته سعی می‌شود نخست به عوامل این تأثیر پرداخته شود و در ثانی مؤلفه‌های مهمی که مربوط به تأثیرات در حوزه واژگانی و زیبایی شناختی می‌باشد، مورد بررسی قرار گیرد و همچنین اشاره کردیم که چگونه زبان عربی در سایه این تأثیر توانسته است به فصاحت و بلاغت واژگانی و زیبایی شناختی زبان فارسی کمک شایانی بکند در نتیجه بر آن شدیم پیامدهای این تأثیر را که امری طبیعی است و بگوییم که هیچ زبان پیشرفته‌ای در جهان وجود ندارد مگر اینکه از تأثیر زبان دیگر برکنار شده باشد بیان کنیم. و البته شکی نیست که هر تأثیر و تهاجم زبانی ضمن پیامدهای مثبت، پیامدهای منفی نیز در پی دارد. بنابراین هدف از این نوشته بازگو کردن همین مواردی است که در متن مقاله پی گرفتیم.

کلیدواژگان: زبان عربی، زبان فارسی، تأثیر، واژگان، زیبایی شناسی.

۱. مقدمه

در این نوشته سعی می‌شود تا نشان دهیم داد و ستدهای زبانی و این برکنش‌ها، تا چه میزان می‌تواند در رشد و بالندگی زبانی موثر واقع شود. گفته می‌شود، واژگان و کلمات به کار گرفته شده در کلام منظوم یا مثنوی، ضمن عوامل محیطی و زیستی، بسته به دواعی و اسباب نفسانی

1 - Email: reza seyedi 47@gmail com.

شاعر یا نویسنده است و آن اینکه بدانیم ملاحظات روان شناختی و زیبایی شناسی در این امر بسیار مهم و حیاتی است. جالب است بدانیم فی‌المثل قاضی جرجانی قرن‌ها قبل از نقاد و حکیم فرانسوی (Taine.H) بگوید، بدوات کارش آن است که در طبع‌ها خشونت پدید آورد و همچنین در ادب و معانی آن موجب خشونت می‌شود، در صورتی که تمدن و ادب موجب سهولت می‌شود و رقت. این طرز فکر قرن‌ها بعد در فلسفه تاریخ ابن‌خلدون نیز، تعقیب شده است و حاکی است از توجه به تاثیر عوامل محیطی و جامعه (زرین کوب، ۱۳۹۵: ۲۲۲).

نکته‌ای که نباید از آن به سادگی عبور کرد و بی تفاوت ماند، الهام و اقتباس شاعران گذشته از رودکی تا سعدی و حافظ است که نه فقط قافیه و عروض را از شعر عربی اقتباس کرده‌اند - البته نگارنده سخت با نظر دکتر زرین کوب مخالفم و آن اینکه این شعر عرب بود که در عروض مرهون و مدیون عروض فارسی است با دلایل و حجت قوی که مجال آن در این مقال نیست - بلکه از فکر و بیان شاعران عرب هم الهام می‌گرفته‌اند. تقلید از ادب عربی شعر گویندگان فارسی زبان را نوعی تشخیص می‌داده است و شاید نوعی تجدد.

غیر از قرآن و حدیث که دو سرچشمه عمده بوده است در تمام ادب اسلامی، شعر کسانی چون ابوتمام و متنی و حتی ابوالفراس و معری ذخیره‌ای بوده است برای شاعران ما، از عنصری و منوچهری گرفته تا انوری و سعدی و حافظ به شاعران عرب مرهون شده‌اند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

نظر به موضوع پژوهش تاکنون مقالاتی در حوزه بررسی واژگانی دو زبان عربی و فارسی صورت گرفته است که می‌توان به مقاله مهرداد نغز گوی مهن (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی تاثیر زبان عربی بر نظام واجی زبان فارسی و گونه‌های آن» نشریه پژوهش‌های زبان شناختی اشاره نمود که در آن به بررسی وام‌گیری واژگانی و صرفی زبان فارسی از عربی پرداخته است و مقاله عبد الرحمن نهضت (۱۳۹۹) با عنوان «تأثیرات و پیامدهای زبان‌عربی بر زبان فارسی دری» مجله پژوهش ملل، که در آن پیامدها و تأثیرپذیری زبان فارسی دری از عربی را که منجر به نزدیکی بیش از حد میان این دو زبان شده است را مورد بررسی قرار داده‌اند. و مقاله محمدرضا ایروانی (۱۴۰۰) با عنوان «تأثیر زبان عربی بر واژه‌سازی و واژه‌گزینی نظامی در زبان فارسی» در پژوهشنامه علوم دفاعی، که در این مقاله نویسنده به واکاوری و آنگان نظامی عربی و کاربرد آن در زبان فارسی پرداخته است. و مقاله سیامند کرده (۱۴۰۳) با عنوان «تأثیر زبان عربی بر فرهنگ و زبان فارسی» در اولین همایش ملی نگرش‌های نوین در مسائل آموزش و پرورش ارائه شده است و در آن نویسنده به تأثیرگذاری زبان عربی در شئون فرهنگی ایرانی‌ها پرداخته است

نظر به پیشینه ذکر شده تا کنون پژوهشی پیرامون زیباشناختی واژگانی در حوزه این وام‌گیری زبان فارسی از عربی نپرداخته است.

۱-۲. سؤال پژوهش

بر این بنیان پرسش بنیادین پژوهش این است که :

۱. چطور می‌توان به این بهره‌مندی و الهام بی‌تفاوت بود و نگفته باشیم زبان عربی در اعتلا و فخامت و بلاغت شعر فارسی، در حوزه‌ی واژگانی و زیبایی شناختی بی‌تاثیر بوده است؟ این امساک و انکار، نوعی اعراض از واقعیت و حقیقت محض است (همان: ۲۲۲) و ناگفته هم نماند که این تاثیر و اثر همیشه دو سویه بوده است و همچنین می‌توان گفت با این همه، در اوایل کار، تا حدی سرمایه‌ای را که شاعران بزرگ فارسی زبان، به ادب عربی داده‌اند، پس می‌گرفته‌اند با سود و بهره‌اش، که می‌تواند نفوذی را که ادب فارسی از حیث معنی در شعر و ادب قدیم عرب داشته است نادیده بگیرد یا کم اهمیت. در موضوع تاثیر و نفوذ امروز هم گویی ادب شرقی به اقتباس از شعر غربی، آنچه را در گذشته از عهد رنسانس تا رمانتیسم به اروپا بخشیده است باز پس بگیرد و شاید با سود و بهره بر سری.

تا زمانی که این تاثیرات چه در حوزه زبانی و معناگرایی به حیات زبان ما و احساس و بینش شاعران و ناشران (نویسندگان) مغایرت نداشته باشد ستودنی است به شرطی که در شخصیت و وقار زبانی محفوظ بماند و شعر امروز ما، ترجمه رنگ و رو باخته‌ای باشد از شعر عرب.

این امر بدیهی که هیچ زبانی بدون ارتباط و تعامل با زبان‌های دیگر، دست کم زبان‌هایی که به نوعی خاستگاه زیستی و بومی دادند و اشتراکات و پیوندهای واژگانی و ساختاری، بر هیچ‌کس خاصه اهل زبان پوشیده نیست و این مهم، بدون تردید ریشه در خلقت یا آفرینش بشر دارد و از آنجایی که آدمی فطرتاً و ذاتاً، موجودی اجتماعی است و بدون ارتباط، زیست و حیات او با چالش روبروست، لذا، مهم‌ترین امری که باید در مطالعه هر زبانی مورد توجه قرار گیرد، به نظر نگارنده سطور، تحقیق و واکاوی در خاستگاه زیستی آدمی است و آن اینکه عوامل محیطی و زیستی، تا چه حد می‌تواند در رشد و بالندگی زبانی تاثیر داشته باشد و بتواند زبانی را کند و راکد و زمین گیر کند، یا مایه رشد و تعالی آن شود. در کنار این عامل مهم، عوامل مهمی چون عامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... این بستر را برای هر زبانی فراهم کند. به عنوان شاهد و نمونه مدعا می‌توان چنین گفت: در تعریف عروض، نظریه‌های متفاوتی وجود دارد از آن جمله گفته‌اند شعر چون بر آن عرضه می‌شود. یعنی عروض علیه، قول دیگر آن است که این علم، نخست در مکه بوجود آمد بوسیله خلیل بن احمد و مکه را هم عروض خوانده‌اند. نکته قابل تأمل آن است که بیشتر الفاظی که در عروض و قافیه اصطلاح شده است از همین مشابهت بین دو بیت (خانه) و شعر است با لوازم زندگی بدوی خیمه و شتر.

و تعریف دیگر، عروض شعر یعنی، جزء آخر اولین مصراع به منزله ستون خیمه و آن را به این جهت عروض خوانده‌اند. ذکر این مثال شاهی است بر گفته فوق، که گفته‌ایم هر زبانی می‌تواند خاستگاه زیستی هم داشته باشد و می‌تواند مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد.

حتی عروض به معنی ماده شتر سرکش نیز، استعمال شده است و در یک بیت عربی، شعر تشبیه شده است به ماده شتر سرکش که گویی شاعر آن را رام کرده است. (همان: ۹۶-۹۷).

سوالی که می‌تواند برای هر پژوهشگر و محقق مطرح شود آن است که چرا زبان‌های سامی تماماً رو به انقراض‌اند و تنها آثاری که از حروف حکاکی شده آنها در موزه‌ها و سنگ نبشته‌ها و کتیبه‌ها به جا مانده و زبان عربی هم صرفاً به زبان قومی و تاریخی و ایزوله تبدیل شده و بدون اینکه زایایی زبانی داشته باشد. اما در این میان، زبان عربی توانسته موجودیت خود را تا امروز به شکلی حفظ کند که با نیم میلیارد گویشور، در ۲۵ کشور بزرگ دنیا به زبان رسمی تبدیل شود و سال ۱۹۷۳، یونسکو آن را ششمین زبان رسمی جهان معرفی کند.

از طرفی می‌توان گفت و اذعان داشت که هیچ زبانی را نمی‌توان یافت که عنوان کامل‌ترین زبان را یدک بکشد چرا که، زبان دائماً در حال تغییر و دگرگونی است و عنوان کامل‌ترین، مفهومی عبث و بیهوده است اما از طرفی می‌توان وجه تمایزی هر زبانی، نسبت به سایر زبان داشته باشد فی‌المثل، زبان عربی از میان زبان‌های سامی و عبری که آن‌چنان نبالیده‌اند و نبالیده‌اند و زبان عربی توانست با تولید آثار و رمان و موسیقی و نمایشنامه‌هاش در سطوح بین‌المللی بدرخشد و جوایزی چون، نوبل و پولیتزر و بوکر و جوایز متعددی را معطوف به تولید آثار فاخر خود کند. گسترش و حوزه نفوذ زبان عربی تا حدی است که فرهنگ معروف آکسفورد به بررسی تاثیر واژگان عربی در دیگر زبان‌ها پرداخته بدین ترتیب زبان انگلیسی شامل ۹۰۰۰ (نه هزار) واژه عربی، فرانسه، ۷۰۰ (هفتصد) زبان پرتغالی هزار وام واژه از عربی، و اسپانیایی چهار هزار و ترکی، ۶۴۵۰ (شش هزار و چهارصد و پنجاه) واژه عربی و حتی زبان یونانی، صد کلمه عربی است (معلوف، ۱۳۸۰: ۶۸).

با تمام پاکسازی‌های زبانی و عربی ستیزی و عرب هراسی حتی در دهه شصت، پروژه تغییر خط عربی به لاتین که از سوی رشفکران چون سعیدالعقل، مطرح شد و آثاری هم مطابق آن چاپ شد، ولی زبان عربی اگر توانسته تاکنون با قدرت، دوام بیاورد، از این روست که زبانی صرفاً مبتنی بر هویت ارتباطی نبوده، هویت این زبان اشباع فرهنگی آن است. برای مثال ارنست رنان، از مستشرقان ضد دین فرانسوی، که متخصص زبان‌های سامی است و از زمره صد خاورشناس عاشق زبان عربی می‌گوید: از بهترین شگفتی‌ها، این است که در میان بیابان‌های یک ملت کوچ‌نشین، زبان ملی جوانه می‌زند که از تمام رقبای زبان سامی خود پیشی می‌جوید. از

طرفی دیگر، دو هامر که سامی شناس بود نقل کرده که عرب تنها برای شتر و متعلقاتش ۵۴۰۴ (پنج هزار و چهارصد و چهار) واژه اختراع کرده، یا معروف است که برای شیر بیش از ۵۰۰ واژه دارد.

معروف است کسی به ابوالعلائی معری، توهین کرد و او را سگ خطاب کرد. معری گفت: سگ کسی است که هفتاد نام عربی برای سگ را حفظ نباشد (رمضانی، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۵۷). البته ناگفته نماند، فراوانی واژگان در یک زبان لزوماً به جنبه زیایی آن منجر نمی‌شود بلکه این رشد سرطانی می‌تواند حاکی از اشباع ناسالم زبانی نیز باشد که فلج زبانی را هم باعث شود. «مایا تسنوا» شرق شناس بلغاری پس از آشنایی با زبان عربی گفته بود: «اکتشفته أنه أصبح لفهمي عقل» یعنی تازه متوجه شدم که دهانم به یک ذهنیت تن گردانده است. و باید اذعان داشت که در چالش‌های زبانی عصر جدید، زبان عربی در برابر هجوم لغات بیگانه در واژه‌گزینی و معادل‌سازی، بهتر از زبان‌های دیگر عمل کرده، واژگان چون مک دونالد، فست فود، سوپرمارکت، تلفن، اینترنت، استراتژی، آکادمی، کامپیوتر، تاکسی، پیام، موبایل، فرمت و غیره که با شعار جهانی‌سازی در قالب کشورها جا افتاد. زبان عربی معادل‌های خودش را برای انواع این واژه‌ها به خوبی ارائه داد و کاربردش را نیز، تضمین کرد. ظرافت شعری این زبان چنان عالمگیر است که شاعران مهاجر زمانی که از لبنان و سوریه به کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین کوچیدند؛ اثبات کردند که این زبان پوسته ادب جاهلی خود را فروفکنده، و شغل فاخر ادبیات مدرن را، به تن کرده که نمونه‌اش ترجمه آثار جبران خلیل به بیش از پنجاه زبان زنده دنیا بود.

۲. مهمترین شاخصه‌های تاثیر پذیری زبان فارسی از زبان عربی

حال، قبل از این که به موضوع اصلی بحث بپردازیم لازم است به مهم‌ترین شاخصه‌های این تاثیر بپردازیم. مهم‌ترین شاخصه‌های این مهم عبارتند از:

۱) زبان و خط: زبان و خط عربی و فارسی در طول دوران تاریخی، به ویژه بعد از اسلام، تعامل و تأثرات بسیار نزدیکی داشته‌اند. یا به عبارت دقیق‌تر، به قول زبان شناسان، در حالت برخورد زبانی بوده‌اند. شاید بتوان گفت در هیچ زبانی مشاهده نشود. این دو زبان با این که هر کدام خاستگاه جداگانه‌ای داشته‌اند، یعنی خاستگاه زبان عربی، سامی و خاستگاه زبان فارسی، هند و اروپایی. اما به لحاظ پیوندهای گوناگونی که یاد شده، کم نظیرند. فی‌المثل تفاوت در صرف و نحو، اشتقاق، ساختار جمله، آوا و تلفظ حروف، معنی و....

نظام آوایی واجی یا آوایی زبان فارسی تا قرن پنجم، تحت تاثیر عرب نبوده است، بلکه تحت تاثیر نظام آوایی واجی فارسی میانه بوده است. مخصوصاً در مناطق مانند خراسان و ماوراءالنهر

به دلیل رواج زبان دری که به قبل از اسلام بر می‌گردد. این تاثیر بسیار بسیار ناچیز بوده است اما از قرن ششم، این تاثیر با روی کار آمدن سلاجقه، روز به روز بیشتر شد (نغزگوی کهن، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۶۱).

۲) کوچ و مهاجرت: عامل دیگری را که به عنوان امر اثرگذار، در تاثرات زبانی می‌توان برشمرد، مسئله مهاجرت است. سرزمین ایران در قیاس با ممالک دیگر خصوصاً، همسایگان خود (اعراب بدوی) بسیار آبادان و سرسبز و پر نعمت بوده است. لذا تشویق‌های مستمر عمر، برای تهییج اعراب بدوی، برای حمله به ایران، برای زندگی بهتر و صرفه‌تر بیشتر به همین منظور صورت گرفته و باعث می‌شد شمار زیادی از اعراب به ایران کوچ کرده و همین امر باعث آشنایی آنان با فرهنگ و زبان ایرانی شد.

۳) شهرها و مناطق مرزی: سرزمین حیره، نامی آشنا و پر آوازه به عنوان نمادی از فرهنگ و تمدن ایران و دروازه ورود فرهنگ و تمدن ایران به مناطق غربی یاد می‌شود. ملوک حیره (آل لخم) و یمن از طرف پادشاهان ساسانی، مامور برقراری حکومت بودند و هر ساله به دولت ساسانی مالیات پرداخت می‌کردند.

از نظر سیاسی تابع حکومت ایران بودند و به همین علت با ایرانیان مناسبات فرهنگی زیادی داشتند. نکته مهم نقش حاکمان این مناطق است که از منافع دولت ایران دفاع می‌کرده و در گسترش و نفوذ زبان عربی تاثیرگذار بوده‌اند.

۴) تشکیلات اداری و دیوان‌ها: اعراب مسلمان با سازمان‌ها و نهادهای اداری و مالیاتی ایرانیان رو به رو شد و طبعاً چون هیچ تجربه‌ای هم نداشتند، راهی جز دست به دامن شدن ایرانیان در تهیه و تنظیم امور دیوانی و اداری نداشتند و این امر طی هشتاد سال و در برخی از مناطق بیش از یک قرن ادامه داشت؛ پس طبیعی بود که، از همین عناصر و مخصوصاً ایرانیان در کار دبیری و دیوانی استفاده کنند و ایرانیان متصدی دبیری را در دست داشته‌اند و در نتیجه برخی از ایرانیان به ناچار برای اداره همین دیوان‌ها بر اعمال و رفتار عرب به فراگیری زبان عربی پرداختند.

۵) اخلاقیات و حکمت: گرایش اعراب به فراگیری زبان فارسی باعث آشنایی هر چه بیشتر آنان با حکمت‌های این قوم و ورود سخنان حکیمانه ایرانیان به فرهنگ عربی باشد. عوامل دیگری چون نهضت ترجمه، تدوین علوم و دین و مذهب و... در این تاثرات و تاثرات نقش مهمی داشته‌اند.

از مهم‌ترین این تاثیر، بحث فنون و آثار ادبی است که ایرانیان به طور مستقیم از آنان در شعر و قالب‌های شعری آموخته‌اند که از میان این قالب‌ها، قالب شعری قصیده رایج در میان اعراب

بوده و ایرانیان نیز، در آغاز ورود اعراب به ایران، از آنان پیوری می‌کرده‌اند و در قالب قصیده شعر می‌سرودند.

حال با توجه به این برکنش‌های زبانی و تاثیرات، مولفه‌هایی را که زبان و ادب عربی به زبان فارسی در حوزه‌های واژگانی و زیبایی شناختی گذاشته است، پی می‌گیریم:

۱- **در حوزه‌ی واژگان تخصصی و علمی:** بسیاری از واژه‌های عربی در حوزه‌های تخصصی مانند فلسفه، نجوم، ریاضیات، پزشکی و علوم دینی، وارد زبان فارسی شده‌اند. برای نمونه واژگانی چون فیلسوف، منطق، هندسه، نجوم و طب، از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند و به گسترش دامنه واژگان فارسی کمک کرد.

۲- **واژگان فصیح و بلیغ:** زبان عربی از نظر ساختارهای زبانی بسیار فصیح و غنی است و بسیاری از واژگان عربی که وارد زبان فارسی شده‌اند، نه تنها از نظر معنایی، که از لحاظ بلاغت و زیبایی کلام نیز، زبان فارسی را غنی‌تر ساختند، کلماتی مانند، عشق، حقیقت، عدالت و معرفت، نمونه‌هایی از این واژگان بلیغ هستند، که بکارگیری آنها در ادب فارسی به زیبایی و عمق آثار افزوده است.

۳- **مفاهیم دینی و عرفانی:** با ورود اسلام به ایران، مفاهیم و اصطلاحات عربی مرتبط با دین اسلام و عرفان نیز وارد زبان فارسی شده‌اند و به ویژه در ادبیات عرفانی به کار رفت. واژه‌هایی چون روح، جان، قلب، نور و سالک، در آثار عارفان و شاعران بزرگی چون حافظ و مولانا، کاربرد عمیق و معنوی پیدا کرده و به گسترش و تنوع واژگان فارسی کمک کردند. (ناظمیات، رضا، (۱۳۸۱) روش‌های - برای ترجمه‌های عربی به فارسی، انتشارات سمت، صص ۷۱-۶۸)

۴- **پیشوندها و پسوندهای عربی:** برخی از پیشوندها و پسوندهای عربی مانند «ات»، «ون، ین» و... به زبان فارسی وارد شد و به ساختار واژه سازی آن اضافه شدند. این ساختارها به واژه‌های جدید و پیچیده‌تر در زبان فارسی کمک کردند. مانند توسل، تحقیق، تعریف و... این تاثیر بر زبان فارسی از جنبه‌های متعددی مانند وام‌گیری واژگان، قواعد دستوری و نحو و بیان مفاهیم در تاریخ زبان فارسی اثر عمیقی گذاشته است. این تاثیر را می‌توان در جنبه‌های مختلف از جمله مفاهیم تخصصی به دینی و عرفانی، ساختار بلاغی و حتی قواعد صرفی و نحوی مشاهده کرد. به عنوان نمونه در بحث ساختارهای صرفی و نحوی می‌توان گفت با ورود واژگان عربی، برخی ساختارهای دستوری و ترکیبات نحوی زبان فارسی راه یافت. بسیاری از پیشوندها و پساوندها و همچنین ساختارهای صرفی و نحوی در فارسی پذیرفته شده‌اند. به عنوان مثال پیشوند «ت» برای ساخت اسم مصدر مثل تربیت، تسلیم و پسوند «ات» برای جمع بستن کلماتی چون

«برکات» رحمت. این بهره‌مندی از ساختارهای عربی امکانات جدیدی را در اختیار زبان فارسی قرار داد تا واژه‌های جدیدتری بسازند و اصطلاحات دقیق‌تری به وجود آمدند (معروف، ۱۳۸۶: ۲۸-۳۰). در حوزه‌ی واژگان تخصصی و علمی، می‌توان گفت و اشاره کرد که عامل مهمی که در این حوزه موثر واقع شد، گسترش فرهنگ اسلامی در ایران بود که باعث شد آثار علمی و فلسفی متعددی به زبان عربی نگاشته شود و همچنان که می‌دانیم تا قرون پنجم و ششم اکثر آثاری که پدید آمدند ابتدا به زبان عربی بودند چنانکه اکثر آثار ابن سینا، فارابی، غزالی و... به زبان عربی عرضه می‌شدند. در این دوران زبان عربی به عنوان زبان علمی شناخته می‌شد و اکثر متون علمی از جمله در زمینه پزشکی، ریاضیات، نجوم و فلسفه به عربی نوشته می‌شده‌اند. این واژه‌ها برای توصیف دقیق و علمی مفاهیمی به کار می‌رفتند که زبان فارسی تا پیش از این، این واژه‌ها را برای آنها نداشت.

در حوزه پزشکی به عنوان شاهد مثال، واژگانی چون طبیب، معاینه، تشخیص، دوا، از عربی وارد زبان فارسی شده‌اند و در ریاضیات چون عدد، معادله، قضیه و... در علم نجوم و جغرافیا واژگان فلک، کواکب، خریطه از عربی گرفته شده‌اند. با افزوده شدن این مفاهیم علمی و تخصصی باعث شد که زبان فارسی به عنوان زبانی برای مفاهیم پیچیده علمی و فنی نیز به کار رود.

۵- ترکیبات اصطلاحات دو زبانه (فارسی-عربی): زبان فارسی در طول تاریخ، ترکیبات فراوانی از واژگان عربی و فارسی ساخته است که هم‌چنان در زبان گفتاری و نوشتاری امروز نیز بکار می‌رود. این کلمات به کار رفته در زبان گفتار و نوشتار بیانگر میزان تاثیر عمیق عربی بر زبان فارسی هستند نمونه‌هایی چون، رشته تحصیلی، دوره متوسطه و فصل بهار مدل‌هایی هستند که ساختار دوگانه دارند.

۶- واژگان مترادف و معنایی متنوع: با ورود واژگان عربی باعث شد در بسیاری از مفاهیم، دارای واژگان مترادف و تنوع معنایی شود. این امر به نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی اجازه داد تا در آثار خود از کلمات متنوعی بهره ببرند و از تکرار واژه‌ها بپرهیزند. برای مثال کلماتی چون، عقل، خرد، ذکاوت و دانش، هر کدام بار معنایی متفاوتی دارند که از ترکیب زبان‌های عربی و فارسی به وجود آمده است. در موضوع عشق، واژگانی چون عشق، محبت، دلبستگی، شیفتگی از بار معنایی مختلفی برخوردارند.

۷- در حوزه زیبایی شناختی: اصول بلاغی و تاثیر آن بر زیبایی بیان:

بعد از بررسی تاثیرات واژگانی زبان عرب بر زبان فارسی، به مهمترین تاثیر از بیان این تاثیرات می‌پردازیم و آن اینکه بگوییم اگر عناصر زیبایی شناختی یا صور خیال برگرفته شده از علوم

بلاغی نبود، شعر فارسی به (جرئت) می‌توان گفت در حدّ همان نظم باقی می‌ماند و ای بسا که خوانندگان شعر فارسی آن لذّت و حظّ وافری که می‌بایستی از شعر فارسی ببرند، نمی‌برده‌اند. کلام مخیّل و دارای تصویر، ذهن و زبان مخاطب شاعران را به نوعی جلا می‌بخشید و باعث می‌شود نقاط تاریک و گرد و غبار گرفته و خشک و بی‌روح زبان، به فضای دلپذیر با لذت درونی بدل شود.

ایهام یا ابهام هنری، از ذاتیات شعر محسوب می‌شود به شرطی که در دل و جان و ذهن و زبان مخاطب اثر بگذارد و او را به نوعی گيجی و خلسه هنری برساند. ایهام و ابهامی که محل فصاحت نباشد، بلکه خود نوعی فصاحت خلق کند فی‌المثل اگر حافظ را خداوندگار ایهام بدانیم که می‌دانیم و بر همگان که اهل ادب و ادب‌ورزی‌اند، این مهم پوشیده نیست. او با بهره‌مندی از این عنصر خیال انگیز توانسته است مخاطب و کلام خود را بر سر دو راهی بنشانند و او را مخیر بگذارد که کدام راه را برگزیند و همین عنصر خیال خود لذّت آفرین است.

درک و دریافت جنبه هنری شعر، یعنی عنصر خیال، بسته به میزان دانسته‌ها و آگاهی خواننده از پیش دارد. یعنی تا کسی ارزش موسیقایی و هنری صورّ خیال را نشناسد برای او نظم و نثر تفاوتی ندارد. کسی از این هنر حافظ، لذت می‌برد که ارزش و جایگاه زیباشناسی در شعر را درک کرده باشد.

باری، بهره‌گیری شاعران فارسی زبان، از عناصری چون تشبیه، استعاره و انواع آن‌ها، جناس، تلمیح، تناقض (پارادوکس) و سایر عناصری که به ویژه از دوران غزنویان و سلجوقیان به طور گسترده در شعر فارسی استفاده می‌شده است؛ بر غنای شعر فارسی می‌افزوده است.

و در نتیجه، آثاری که در زمینه علوم بلاغی در قرون پنجم و ششم و هفتم نوشته شده‌اند چون دلائل الاعجاز، اسرار البلاغه، بیان الاعجاز، اعجاز قرآن و... که خود همه این آثار در این حوزه یعنی، علوم بلاغی مرهون و مدیون جنبه هنری و موسیقایی قرآن هستند؛ مستقیماً در حوزه زیبایی شناختی اشعار فارسی تاثیر داشته و بی‌گمان بدون بهره‌مندی از حوزه بلاغی زبان عرب، شعر فارسی آن زیبایی و اعجاز بیان را نداشته است.

نتیجه گیری

تاثیر زبان عربی بر زبان فارسی نه تنها جنبه واژگانی داشته، که از نظر بلاغت و عمق معنایی و غنای ادبی زبان فارسی را غنی‌تر کرده است. این تاثیرات سبب شده است که زبان فارسی توانایی بیان گسترده‌تری داشته باشد و با برخورداری از تنوع واژگانی و اصطلاحات دینی و عرفانی به زبانی قدرتمند برای بیان عواطف افکار و علوم تبدیل شود.

این ترکیب منحصر به فرد، از دو زبان، فارسی را به یکی از زبان‌های پیچیده و غنی جهان تبدیل کرده و ادبیات فارسی را در کام خویش درخشنده و ماندگار نگه داشته است.

کتابنامه

- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۵). شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، تهران: انتشارات علمی.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۰) المنجد، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات ایران.
- ناظمیان، رضا. (۱۳۸۱). روش‌هایی برای ترجمه از عربی به فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- معروف، یحیی. (۱۳۸۶). فن ترجمه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عمید، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ عمید، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- رمضانی، ربابه. (۱۳۹۶). واژگان تحویل یلفته عربی در فارسی و چالش‌های فراوری مترجمان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- دهخدا، علی اکبر. (د.ت). لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت نامه.
- نغزگوی کهن، مهرداد، (۱۳۹۲). «نقش افعال حرکتی و سببی در ساخت امر تکریمی از منظر دستوری‌شدگی» نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، دوره ۳، شماره ۵.

